

۷- عیسی مسیح کیست؟

دوست گرامی، یقین دارم اکنون می‌خواهید سؤالی را مطرح بفرمائید که بسیاری مایلند جواب آنرا بدانند و یکی از مهمترین سؤالات جهان بشمار می‌رود و آن عبارت است: این شخص برجسته که شرح حالش در اینجا بطرز خلاصه نقل شده است کیست؟ کتابهای قطور زیادی برای پاسخ به این سؤال مهم نوشته شده است و هر چند مشکل است که انسان بتواند بطور خلاصه شرح دهد که عیسی مسیح کیست، ولی کوشش خواهیم کرد این کار را انجام دهیم. چون یگانه منبع کاملاً معتبر در این مورد کتاب مقدس است، تمام نکاتی که ذکر خواهیم کرد بر کتاب مقدس متکی خواهد بود.

از شرح زندگی عیسی مسیح که در چهار انجیل وجود دارد معلوم می‌شود که او واقعاً انسان بود. گرچه پدر جسمانی نداشت، ولی از طریق مادرش مریم، از نسل داود یعنی پیامبر و پادشاه بزرگ اسرائیل بود. عیسی مانند تمام مردم از نظر جسمی و روحی رشد کرد. غذا می‌خورد و می‌خوابید. شغلش نجاری بود. او خسته شد و با تمام خوشیها و رنجها و ناراحتی‌هایی که برای مردم در این جهان پیش می‌آید، کاملاً آشنا گردید. بنابراین او قادر است که در تمام تجربه‌های بشری با ما همدردی نماید (عبرانیان ۲: ۱۸ و ۴: ۱۵). چون عیسی انسان بود می‌توانست ازدواج کند و فرزندی داشته باشد ولی این کار را نکرد. بدون شك تصمیم او در این مورد با اطاعت کامل از نقشه‌ای که خدا برای او داشت اتخاذ گردید.

لکن هر چند عیسی واقعاً انسان بود، ولی از بعضی جهات با دیگران تفاوت زیادی داشت. همانطوریکه قبلاً توضیح داده شد تمام مردم، حتی انبیاء و مقدسین، گاهی از اطاعت خدا غفلت نموده‌اند و بهمین دلیل گناهکار هستند. ولی در تمام زندگی عیسی هرگز کاری یا سخنی یا فکری که برخلاف ارادهٔ مقدس خدا باشد مشاهده نشد. بنابراین تنها او انسان بیگناه است (اول پطرس ۲: ۲۲ و اول یوحنا ۳: ۵). او نه تنها گناهی نکرد بلکه ارادهٔ او با ارادهٔ خدا مطابقت کامل داشت. او در واقع یگانه انسان کاملی است که در این جهان خاکی، زندگی کرده است.

اشخاصی که اعمال مسیح را دیدند شهادت دادند که قدرتش حیرت‌انگیز بوده است. زمانی کور مادرزادی را ملاقات کرد و به او بینایی بخشید. در موقع دیگر، وقتی او و شاگردانش سوار قایق کوچکی بودند و از دریاچهٔ جلیل می‌گذشتند، طوفان عظیمی نزدیک بود قایق را غرق کند ولی عیسی به باد و طوفان فرمان داد و دریا فوراً آرام گردید. مردی بنام ایلعازر را که چهار روز از مرگش گذشته بود از قبر بیرون خواند و آن مرده فوراً برخاست و از قبر بیرون آمد. ولی عظیمترین عمل حیرت‌انگیز عیسی اینست که، همانطوری که پیشگویی کرده بود، روز سوم پس از مرگ قیام کرد و به شاگردان خود ظاهر شد. چه کسی غیر از عیسی توانسته است چنین اعمالی انجام دهد؟ چه

کسی را می‌شناسید که از مردگان برخیزد و دیگر نمیرد؟ هیچکس! بنابراین واضح است که گرچه عیسی واقعاً انسان بود، ولی از بزرگترین انسانها هم بزرگتر بود. پس او کیست؟

بطوریکه قبلاً ذکر نمودم، عیسی خود ادعا کرد که پسر خدا است. او نه فقط در محاکمه خود در شورای یهود بلکه بارها قبل از آن محاکمه این ادعای مهم را در مورد خود نموده بود. بعلاوه او خدا را معمولاً «پدر من» خطاب می‌کرد. یکبار وقتی فرمود «من و پدر يك هستیم»، دشمنانش می‌خواستند او را سنگسار نمایند زیرا تصور کردند که عیسی کفر می‌گوید. ولی ما بخوبی می‌دانیم که عیسی هرگز دروغگو و کفرگو نبود، زیرا تمام فرمایشاتش کاملاً صحیح و درست بوده است. باید به این نکته توجه داشته باشیم که اگر کسی بگوید که عیسی پسر خدا نیست، عیسی را دروغگو می‌شمارد و اگر عیسی دروغگو باشد، هیچکس نباید به او ایمان داشته باشد. ولی وقتی عیسی ادعا می‌کرد که پسر خداست در واقع همان فرمایش خدا را که در موقع تعمید وی از آسمان شنیده شد تکرار می‌کرد: «تو پسر حبیب من هستی که از تو خشنودم» (مرقس ۱: ۱۱). در تمام نوشتجات رسولان عیسی بارها تکرار شده که عیسی پسر خدا است و تمام مسیحیان جهان این ادعا را همیشه قبول داشته‌اند. البته توجه دارید که این اصطلاح مفهوم جسمانی ندارد بلکه دارای مفهوم روحانی می‌باشد. بدیهی است که خدا هرگز با زنی ازدواج نکرده تا از او پسری داشته باشد زیرا چنین کاری غیرممکن و غیرقابل تصور است.

در انجیل، عیسی «کلمه خدا» هم نامیده می‌شود. لقب «پسر خدا» همبستگی و یگانگی عیسی را با خدا که پدر واقعی او است نشان می‌دهد، ولی لقب «کلمه خدا» به ما می‌فهماند که خدا بوسیله عیسی مسیح با بنی‌نوع بشر سخن می‌گوید. در انجیل اینطور می‌خوانیم: «در ابتداء کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. همان در ابتداء نزد خدا بود. همه چیز بواسطه او آفریده شد و بغیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت. در او حیات بود و حیات نور انسان بود... و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد پر از فیض و راستی و جلال او را دیدیم جلالی شایسته پسر یگانه پدر» (یوحنا ۱: ۱-۱۴).

مقصود آیات فوق این است که خدا که قبلاً بوسیله انبیاء و کتب آنها خود را ظاهر ساخته بود، بالاخره خود را بطور کامل بوسیله شخص کاملی مکشوف فرمود. این شخص کامل از يك پیغمبر خیلی بزرگتر می‌باشد. در واقع با خدا یکی است. زیرا این آیات انجیل به ما می‌گویند که این شخص کلمه خدا و پسر خدا است. او از ابتداء با خدا یکی بود و همه چیز بوسیله او آفریده شد. سپس در زمان مقرر، کلمه ابدی خدا در رحم مریم باکره لباس بشری پوشید و بصورت عیسی مسیح ظاهر گردید. بنابراین ملاحظه می‌کنیم که او دارای دو طبیعت و یا دو جنبه بوده است، یکی جنبه الهی و دیگری جنبه انسانی. عیسی مسیح هم خدا است و هم انسان.

اولین کسانی که به عیسی ایمان آوردند و رسولان او شدند، یهودی بودند و به یکتاپرستی و وحدانیت خدا اعتقاد کامل داشتند. معهذاً بعد از اینکه در حدود دو سال با عیسی زندگی کردند، اطمینان کامل یافتند که استادشان با خدا یکی است و بهمین دلیل بود که پطرس اعتراف کرد: «توئی مسیح پسر خدای زنده» (متی ۱۶: ۱۶). همچنین

توما، هنگامی که عیسی زنده را پس از قیامش از مرگ دید، فریاد برآورد: «ای خداوند من و ای خدای من» (یوحنا ۲۰: ۲۸). در هر دو مورد، عیسی شاگردان خود را برای ایمانی که نسبت به او داشتند ستایش نمود و به توما گفت: «بعد از دیدن ایمان آوردی؟ خوشابحال آنانی که ندیده ایمان آورند» (یوحنا ۲۰: ۲۴-۲۹). این «خوشابحال» امروز نصیب ما هم می‌شود بشرطی که ایمان داشته باشیم که او پسر خدا است.

اکنون می‌دانم که مایلید برسید: «در صورتیکه خدا واحد است، چگونه امکان دارد که عیسی مسیح پسر خدا بوده و با خدا یکی باشد؟» در واقع این موضوع از اسراری است که فهم آن بالاتر از عقل محدود ما می‌باشد. چه کسی غیر از خود خدا می‌تواند به ذات و ماهیت الهی پی‌ببرد؟ ولی باید متوجه باشیم که خدا قادر مطلق است و آنچه بر خلاف اراده مقدس او نباشد برایش غیرممکن نیست. بعلاوه در طبیعت که توسط خدا آفریده شده می‌توانیم، هر چند بطور ناقص، نمونه‌ای از این سر یا حقیقت الهی را مشاهده نمائیم. خورشید را ملاحظه کنید که در آسمان قرار دارد و بقدری عظیم و پر حرارت است که اگر به زمین نزدیکتر شود همه از بین خواهند رفت. خورشید نور خود را که در حقیقت با خود آن تفاوتی ندارد، می‌تاباند و بوسیله آن به دنیای ما نور و حرارت می‌بخشد. به همین طریق خدای بزرگ ما نور خود را، که با خودش یکی است، به دنیای ما می‌تاباند تا به ما حیات ببخشد. خدا این نور را کلمه خود و پسر خود می‌خواند. این نور بصورت عیسی مسیح ظاهر شد که درباره خود فرمود: «من نور عالم هستم، کسی که مرا متابعت کند در ظلمت سالك نشود بلکه نور حیات را یابد» (یوحنا ۸: ۱۲). هنگامیکه نور خورشید را می‌نگریم خورشید را مشاهده می‌کنیم و همچنین هنگامی که عیسی مسیح را می‌نگریم خدا را می‌بینیم. عیسی فرمود: «هرکس که مرا دید پدر (یعنی خدا) را دیده است» (یوحنا ۱۴: ۹). بنابراین ما مسیحیان مطمئن هستیم که خدا خود توسط پسرش عیسی مسیح بسوی ما آمده است.

دوست گرامی، آیا بنظر شما عجیب است که خدای قادر مطلق برای نجات بشر گناهکار بدینطریق به جهان آید؟ ولی فراموش نفرمائید که خدائی که بی‌اندازه بزرگ است تمام کارهای خود را از روی محبت انجام می‌دهد و بوسیله آمدنش به جهان در شخصیت مسیح، محبت الهی خود را کاملاً بر ما مکتشف نموده است. بدون شك شما داستان پادشاه عادل را که مردم سرزمین خود را بینهایت محبت می‌نمود شنیده‌اید که چگونه گاهی ردای سلطنتی خود را کنار می‌گذاشت و لباس فقیرانه‌ای به تن می‌کرد و به خانه مردم بیچاره می‌رفت تا با آنان صحبت نماید و به آنها کمک کند. البته این نمونه ناقص و غیر کافی فقط تا حدی نشان می‌دهد که چگونه پسر خدا که با پدر یکی بود جلال آسمانی را ترك کرد و به زمین آمد و چون انسانی فقیر زندگی کرد تا محبت عمیق خدا را به انسان آشکار سازد و آنان را بسوی خدا رهبری فرماید. این نوع محبت بسیار حیرت‌انگیز است!